

برای ورود به حرفه، مسائل رفاهی، مراجع رسیدگی به حل اختلافات، تسهیل دسترسی به منابع اطلاعاتی و الزام به همکاری با روزنامه‌نگاران، حفظ حرمت فردی روزنامه‌نگار و مقاومت در برابر تعرض احتمالی به حقوق او، رعایت حقوق شهروندان و حاکمیت قانون بر فعالیت‌های حرفه‌ای مورد توجه و پی‌گیری قرار گرفته است، اما روزنامه‌نگاری در ایران همچنان در جست‌وجوی هویت، استقلال، امنیت و کسب جایگاه واقعی خویش است.^۱

روزنامه‌نگار حرفه‌ای چه کسی است؟
روزنامه‌نگار حرفه‌ای کسی است که فعالیت در مطبوعات را به صورت شغل اصلی خویش در می‌آورد و این یکی از تعاریفی است که در کنگره‌های اولیه انجمن‌های مطبوعاتی اروپا مطرح شد.
روزنامه‌نگار حرفه‌ای کسی است که شغل اصلی، مرتب و با اجرت او، انجام یک فعالیت اساساً فکری در زمینه جست‌وجو، انتخاب، تهیه، شکل‌دهی، ارائه، تشریح و تفسیر اخبار وقایع و مسائل جاری، از طرق نوشتاری، طراحی و نقاشی، گفتاری یا تصویری در سرویس‌های تجزیه‌ای مؤسسات خبری و ارتباطی است.

این تعریفی است که در قوانین فرانسه پیش‌بینی شده است.

قطعی است که کار تعریف روزنامه‌نگار حرفه‌ای با این پیش‌شرط اولیه به پایان نمی‌رسد و برای روزنامه‌نگار حرفه‌ای شدن باید شرایط بسیاری داشت که در گزارش‌های دیگری از این مجموعه به آنها اشاره شده است اما بگذارید نظر علی میرزایی روزنامه‌نگار پر تجربه را در این زمینه بخوانیم:

روزنامه‌نگار حرفه‌ای، «شجاع» است. منظورم از شجاع البته فحاش، هتاک یا هوچی نیست. متأسفانه روزنامه‌نگاری ما به این بیماری مزمن دچار است و بسیار هستند کسانی که روزنامه‌نگار هتاک و هوچی را روزنامه‌نگار موفق می‌دانند. علت

قالب استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاری بررسی می‌شود. اما متأسفانه تا به امروز در این زمینه مقررات مدونی در قوانین کشورمان پیش‌بینی نشده است و از این رو تدوین نظامنامه حرفه‌ای نیاز و ضرورتی است که روزنامه‌نگاران بر آن تأکید دارند.
به اعتقاد محمدمهدی فرقانی اگر حرفه‌ای‌گرایی را یکی از دستاوردهای روزنامه‌نگاری نوین غربی بدانیم، صرف‌نظر از توصیف‌های متفاوتی که از این مفهوم ارائه شده است، می‌توانیم بپذیریم که اصولاً حرفه‌ای‌گرایی با هدف تضمین آزادی حرفه‌ای، امنیت شغلی، پاسداری از حریم حقوق روزنامه‌نگار، وضع معیارهای اخلاقی، ایجاد شکل‌های صنفی و اعمال ضوابط و مقررات مدون

حرفه‌ای‌گرایی در ایران حرفه‌ای‌گرایی و تأکید بر استقلال حرفه‌ای و امنیت شغلی در اروپا از اواخر قرن ۱۹ مطرح شد ولی در ایران به دلیل شکل‌گرفتن روزنامه‌نگاری در شرایط استبدادی، تا ده‌ها سال پس از انتشار نخستین روزنامه، امکان بحث درباره روزنامه‌نگاری حرفه‌ای که مستقل از دولت‌های وقت عمل کند، فراهم نبود.
تعریف قانونی روزنامه‌نگار حرفه‌ای و شرایط برخورداری از صفت روزنامه‌نگار، مقررات صدور کارت شناسایی حرفه‌ای، اصول آزادی فعالیت روزنامه‌نگار، روابط کاری بین روزنامه‌نگار و مدیران مؤسسه‌های مطبوعاتی و کلیه حقوق مادی و معنوی روزنامه‌نگار حرفه‌ای در

گزارش اول:

بایدها و نبایدها در عرصه روزنامه‌نگاری حرفه‌ای

را باید در بستر تاریخ و جامعه ایرانی در یکصدسال اخیر جست و جو کرد که جایش در اینجا نیست.

روزنامه‌نگار شجاع یعنی روزنامه‌نگاری که هر جا که پای منافع مردم و پای حق در میان است، به دفاع برخیزد. او باید روایتگر صادق رویدادها باشد و حتی برای پی بردن به ریشه‌های واقعی یک رویداد، کنجکاوانه به پیگیری و پی‌جویی پردازد. روزنامه‌نگار شجاع (حرفه‌ای) با استعمار و استثمار و پنهان و آشکار، هیچ‌وقت سرسازگاری ندارد. البته این کار، کار ساده‌ای نیست. پیامدهای سنگینی هم دارد و حوادثی که در سراسر گیتی بر سر روزنامه‌نگاران می‌آید به همین علت است.

روزنامه‌نگار حرفه‌ای، کنجکاو و نکته‌سنج و باریک‌بین است. او سرسری نمی‌بیند، سرسری نمی‌خواند، سرسری نمی‌شنود و سرسری نمی‌نویسد. جامعه‌های آگاه، بسیاری از آگاهی‌های اجتماعی، سیاسی و حتی علمی خود را مدیون روزنامه‌نگاران کنجکاو، نکته‌سنج و باریک‌بین هستند و هر چه یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای تر باشد، یعنی توان خود را بالاتر برده باشد، این وظیفه سنگین را بهتر انجام می‌دهد.

علی میرزایی به نکته تعیین‌کننده دیگری در امر تربیت نیروی حرفه‌ای روزنامه‌نگاری اشاره دارد: آموزش روزنامه‌نگاری و نقش آن در تربیت کادر حرفه‌ای. او معتقد است: دلیلی ندارد که مثلاً برای استاد شدن در نجاری و بنایی و کفاشی به سالها آموزش و ممارست و تجربه‌اندوزی نیاز باشد، ولی روزنامه‌نگاری را حرفه‌ای بدانیم که «مادرزادی» می‌شود آموخت! از ایمانوئل کانت، فیلسوف نامدار آلمانی، نقل می‌کنم که: «آموزش به تنهایی بشر را می‌سازد. بشر چیزی نیست مگر آنچه آموزش از او می‌سازد.» این اصل در حرفه روزنامه‌نگاری نیز صادق است و

روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، به قطع و یقین بدون «آموزش» شکل نمی‌گیرد. این آموزش می‌تواند آموزش دانشگاهی رسمی باشد و می‌تواند آموزش عمومی مربوط به این حرفه باشد که به نظر من، در کنار آموزش‌های رسمی، قابل دریافت است. درست نوشتن، به اندازه نوشتن، خوب دیدن، درست دیدن، تقویت حس کنجکاوی، داشتن دانش کافی در حوزه رشته‌ای که در آن می‌نویسید، روزآمد کردن اطلاعات و دانش عمومی و اختصاصی خود و... از جمله آموزش‌هایی است که بدون آنها نمی‌توان خود را روزنامه‌نگار آماتور و ابتدایی هم نامید، چه رسد به روزنامه‌نگار حرفه‌ای.

بسترها و زمینه‌های حرفه‌ای بودن در عرصه امروز روزنامه‌نگاری ایران به اعتقاد والتر لپمن، حرفه‌ای‌گرایی فزاینده مهمترین تحول اساسی از زمان رهایی مطبوعات از کنترل دولت‌ها و سانسور محسوب می‌شود چرا که حرفه‌ای‌گرایی در وجدان روزنامه‌نگاران خُبین تعهد را برای دنبال کردن حقیقت - که مستقل و فراتر از تمامی تعهدات دیگر است - بیدار می‌کند.^۲

اما همچنان که گفتیم این پدیده در کشور ما مرحله جنینی را می‌گذراند و برای تکامل و تولد به زمینه‌های مساعدی نیازمند است. وجود قوانین مناسب، دسترسی آزادانه خبرنگار به اطلاعات، حضور انجمن‌های صنفی منسجم و همه‌گیر، کنترل فشارهای رسمی و غیررسمی، سازمان‌های مطبوعاتی پویا با مدیران آگاه و آشنا به رموز کار، دادن جایگاهی مناسب به روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و حل مسائل و مشکلات رفاهی و حرفه‌ای روزنامه‌نگاران می‌تواند به رشد روزنامه‌نگاری حرفه‌ای و پویایی آن یاری رساند.

نظرات یونس شکرخواه - روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه - در این زمینه نکات

تازه‌ای را آشکار می‌کند؛ رفع موانع در هر دو عرصه درون و برون رسانه‌ها، ضرورت وجود بستر آزاد و متنوع برای اطلاع‌رسانی، قوانین مربوط به تأمین آزادی‌های رسانه‌ای، لزوم شفاف‌سازی سلسله مراتب فردی در سازمان‌های رسانه‌ای، کادرسازی برای رسانه‌ها و آمادگی برای ورود به مرحله دیجیتال رسانه‌ای، از جمله مواردی است که شکرخواه به آنها اشاره دارد:

طبعاً هر حرکت نظام‌دار حرفه‌ای، مستلزم رفع موانع و ایجاد بسترهای مناسب در هر دو عرصه درون و برون رسانه‌هاست.

■ عاشقان این حرفه در

ایران امیدوارند که به

نوعی روزنامه‌نگاری

حرفه‌ای بومی دست

یابند که آنها را در انجام

وظایف حرفه‌ای‌شان

یاری کند.

از جنبه درون رسانه‌ای، روزنامه‌نگاران مسلط به دانش و تکنیک، مدیران رأس ساختار رسانه‌ای - در صورت طی کردن مراحل سازمانی و به عبارت بهتر، حرکت طبیعی از بدنه سازمان به طرف رأس سازمان - و از دیگر سو رقبای رسانه‌ای - که آنان هم باید با قواعد منطقی رقابت آشنا باشند - و همچنین خوانندگان حرفه‌ای و به دور از احساسات، همه در ساختن فضای حرفه‌ای رسانه‌ای نقش دارند و به دیگر سخن، هر کدام یکی از مؤلفه‌های آنچه را که رکن چهارم نامیده شده، می‌سازند.

از جنبه برون رسانه‌ای، نحوه برخورد

صاحبان نفوذ و اقتدار و هر فرد و هر نهادی که به نحوی از انحا نظم اجتماعی را تأمین می‌کند در ایجاد و نهادینه کردن زندگی حرفه‌ای رسانه‌ها ذی‌مدخل است. علاوه بر اینها، اعمال نفوذهای دولت‌ها، خبرگزاری‌ها، روابط عمومی‌ها، افراد سرشناس و آگهی‌دهندگان را هم باید به این مجموعه تأثیرگذار برون رسانه‌ای افزود.

من فکر می‌کنم هر جای کار که در عرصه برون و درون رسانه‌ای لنگ بزند و یا عیب و ایراد داشته باشد، یک گفتمان ناسالم را بر عرصه امور رسانه‌ای حاکم

■ اگر جمع جهانی

روزنامه‌نگاران حرفه‌ای

متعهد، به مقابله با ناپرابری

ارتباطات و عدم تعادل

اطلاعات در جهان نظر دارد،

روزنامه‌نگار ما به تبصره‌ها

و اصلاحات قانونی

می‌اندیشد که هر روز حلقه

محاصره را بر گرد امنیت

روزنامه‌نگار حرفه‌ای و

حرفه روزنامه‌نگاری تنگ‌تر

می‌کند.

می‌کند، گفتمانی که سعی می‌کند معنی هر آنچه را که مخابره می‌کند، محدود کند.

به نظر من حرفه‌ای‌ترین شکل کار در عرصه رسانه‌ها به وجود یک بستر آزاد و متنوع برای اطلاع‌رسانی نیاز دارد، آن هم برای عرضه اطلاعاتی که مخاطب برای اتخاذ تصمیمات کوتاه‌مدت و بلندمدت به آنها نیاز دارد. بنابراین می‌خواهم این نتیجه را بگیرم که چرخ ماشین رسانه‌ای در صورتی درست خواهد چرخید که هم در درون رسانه‌ها و هم در بیرون رسانه‌ها، آزادی فعالیت رسانه‌ای و تنوع رسانه‌ها هر دو از جنبه حقوقی تأمین شده باشند.

علاوه بر این، آزادی فعالیت رسانه‌ای و آزادی تأمین تعدد رسانه‌ای، مقوله‌ای صرفاً برای ثبت روی کاغذ نیست بلکه روزنامه‌نگاران و افراد و نهادهایی که رسانه‌ها در گستره آن فعالیت می‌کنند همه باید پایبند آن مقررات باشند و به عبارت بهتر، قوانین کاغذی را مثل اسکناس، به رسمیت بشناسند و آن را به کار ببندند. از دیدگاه من قوانین مربوط به تأمین آزادی‌های رسانه‌ای، هم در درون و هم در بیرون رسانه‌ها هنوز نیازمند اصلاح است. به عنوان مثال در نظر بگیرید اگر قانون «حق دسترسی به اطلاعات» - به جز مواردی که توسط قانون مستثنی می‌شوند - برای رسانه‌ها به تصویب برسد، مسئولان تا چه حد به اجرای درست وظایف خود ناچار خواهند شد. تصویب چنین قانونی به نقش نظارت رسانه‌ای بر نحوه اعمال قدرت معنای واقعی خواهد بخشید و از دیگر سو کادرهای رسانه‌ها نیز ناچار خواهند شد از پشت میز برخیزند و صرفاً به اخبار خبرگزاری‌ها بسنده نکنند و در برابر مخاطبان خود پاسخگو باشند. در صورت تدوین چنین قانونی به‌طور قطع و یقین فشارهای رسمی و غیررسمی در کار رسانه‌ای به حداقل خواهد رسید و اساساً نقش روابط عمومی‌ها نیز دگرگون خواهد شد و آنها از قالب «گاردهای سازمانی» به چارچوب «کارگزاران ارتباطی» سوق داده خواهند شد.

به نظر من مانع جدی دیگر در راه رسیدن به ساختار حرفه‌ای رسانه‌ای شفاف نبودن سلسله مراتب فردی در سازمان‌های رسانه‌ای است. هنوز تعریف روزنامه‌نگار کاملاً مشخص نیست. آنان که در رأس سازمان‌های رسانه‌ای قرار می‌گیرند در موقعیتی انتصابی قرار دارند و متأسفانه پس از آنکه تجاربی را - که بعضاً گران هم به دست می‌آید - به دست می‌آورند، وارد فضاهاى دیگری به غیر از امور رسانه‌ای می‌شوند و متأسفانه فرضاً هنوز مرزهای یک سیاستمدار با یک

روزنامه‌نگار و یا یک حزب با یک روزنامه مشخص نیست.

از جنبه کادرهای رسانه‌ای هم هنوز مشکلات عدیده‌ای وجود دارد که دسترسی به فضای حرفه‌ای را دشوار می‌سازد. روزنامه‌نگاران کارشناس و متخصص هنوز اندک هستند، هنوز «انتقاد» از طریق یک پل به «مشارکت» نمی‌رسد و لذا انتقادات شدید گاهی به بحران‌سازی می‌انجامد و مخاطب از کسب اندیشه انتقادی و امکان مشارکت باز می‌ماند. هنوز رسانه به اشتباه یک «عصبیه» جدی شناخته می‌شود، حال آنکه وظیفه رسانه کشف «عصبیه‌ها» در جامعه و تقویت آنهاست. به عبارت بهتر هنوز کادرهای رسانه‌ای ما خیال می‌کنند سرپل ارتباط، «رسانه» است حال آنکه مخاطب و رسانه هر دو در مواقع گوناگون این نقش را برعهده می‌گیرند و باز متأسفانه هنوز به‌حساب‌انگیزی‌های رسانه‌ای ما به اتخاذ سیاست‌های ملی نمی‌انجامد و «جلب نظر»، نتوانسته است مقهور «آگاهی‌بخشی» شود. ما هنوز «خبرزده» ایم و هنوز شیفته رویدادها هستیم نه شیفته فرایندها. خلاصه کنم من فکر می‌کنم ما هنوز به یک «پارادایم» رسانه‌ای برخاسته از انقلاب دست نیافته‌ایم و من این را پختگی حرفه‌ای نمی‌شناسم.

به نظر من برای آموزش هم باید یک فکر اساسی بکنیم. کادرسازی برای رسانه‌ها از وظایف آموزشگاه‌هاست و از جنبه آموزش ما باید ادبیاتی را تدوین کنیم که در هر سه سطح «عمل فردی»، «عمل جامعه‌شناختی» و «عمل فرهنگی» با دوشاخه انسان‌شناسی و نقد ادبی، تکلیف نارسایی‌ها را مشخص کند. در بحث انسان‌شناسی باید پارادایم‌های ارزشی و اسطوره‌ای خود را استخراج و از جنبه نقد ادبی نیز آخرین تکنیک‌های روزنامه‌نگاری را تهیه کنیم. من فکر می‌کنم در این جنبه ادبی باید منتظر باشیم که حتی عقب‌افتادگی تکنیکی ما عمیق‌تر

مشکلات خبرنگاری حرفه‌ای به روایت «حبل‌المتین» در ۱۰۲ سال قبل

نقل از روزنامه حبل‌المتین در شماره ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۱۵ هـ.

هیچ‌کاری نیست که تکمیلش بدون زحمت و محنت بشود و هیچ مقصودی نیست که بدون مشکلات بزرگ حاصل گردد. بلکه هر کاری که منفعت او بیش و هر عملی که زیاده شریفانه و نجیبانه باشد به همان درجه مشقت و مشکلاتش را طی باید نمود. اگر صحت این امر را تسلیم نماییم که مشکلات و تکلیفات هر عمل بر علو مرتبت و منفعت آن کار دلیل است البته یقین حاصل خواهد شد که در دنیا سوای اخبارنگاری اگر یکی دو کار دیگر باشد که بدین پایه اهم و مفید باشد مشترکین محترم مشکلات اخبارنگاری را کجا اندازه می‌توانند نمود، که هر روز صبح تازه به تازه اخبار خواننده محفوظ می‌شوند و آن اشخاصی که بعضی اوقات از یک اخبار مضمونی متفق و موافق رأی خود یافته به‌به می‌کنند از کجا می‌دانند که از این صاف‌گویی و تیز قلمی آن بیچاره منشی اخبار راجه مشکلات پیش می‌آید. لفظ آزادی خیلی عزیز و محبوب است ولی اگر اخبارنگار بخواهد به آزادی عمل نماید ظالمان و رایشان و کسانی که همواره دست تطاول دراز دارند پرده از روی کارشان برداشته می‌شود. این‌گونه اشخاص و دوستان را آنها دشمن اخبارات می‌گردند، از شنیدن حرف راست بسیار کم مردم خوش می‌شوند - حکام هم از این قاعده بیرون نمی‌باشند - به‌واسطه این امر همواره اخبار نویسان آماجگاه مصیبت و تکلیف‌اند. اخبارنویسی که از روی ایمان‌داری در هر معامله رأی خود را بخواهد ظاهر کند بسا می‌شود که غلطی که مقتضی هر انسان است در اجتهاد او واقع می‌شود. و کم کسیست که غلطی او را چشم‌پوشد و غلطی را از رأی او بگوید غالب حمل به بدینتی و تعصب و اغراض اخبارنگار خواهند کرد. بعضی که منصف مزاج باشند حمل بر جهالت و نادانی منشی اخبار خواهند نمود. اهالی هندوستان زیاده اعتبار ایمان‌داری و حب قومی بر اخبارات مذهبی خود دارند و اخبارنگاران دیگر هم اگر راستگویی دیانت‌داری او هم ظاهر شود حمل بر جانب‌داری و خوش‌آمدگویی خواهند نمود. اگرچه من نمی‌گویم که تمام ناظرین اخبار به این درجه بی‌انصاف باشند که ایمان‌داری فریق مخالف را اندازه نتوانند کرد بلکه بحمدالله این‌گونه مردم صدها و هزارها این وقت موجوداند و انصاف شعارند و من از این هندوستانی‌های نیک نیت از هندو و مسلمان شکرگذارم. اخبارنگاری امری است بسیار مشکل اخبارات صحیح بدست آوردن و به اندک لغزشی دچار مقدمات و گرفتار لثام خلق شده و هزارگونه صدمات را متحمل می‌شود. بعضی اخبارات هم به واسطه اغراض شخصی یا بد دیانتی یا ربح‌خشی ذاتی بعضی از مقالات مشغله اخبارنگاری را پیشه خود قرار داده‌اند (مسترستید) منشی اخبار (ریویو آف ریویوز) عنوان متینی من‌باب اخبارنگاری نوشته ظاهر داشته است... که از همه بهتر و الیق آن اخبار نگار است که این پیشه را از روی محبت و خصوصیت شروع کرده است. چنین شخصی را چرخشی می‌باشد که بدریعه آن وظایف اخبارنگاری را کامل خواهد کرد چنین شخصی را همواره حرفی بجهت ظاهر کردن موجود هست که به یک جماعت بزرگ پیش نماید. شک نیست که اخبارنویس کامل همان است و در هندوستان این‌گونه اخبارنویس خیلی کم ولی ازین ثابت نمی‌شود که این‌گونه اخبارنگار از مصائب و مشکلات آسوده و محفوظ خواهد بود. به واسطه این امور اداره اخبارات همیشه از قدردانان خود همواره مستوجب همدردی می‌باشند. □

هم بشود، چون رسانه‌های ما اصلاً برای ورود به مرحله دیجیتالی رسانه‌ای - به خصوص با توجه به پیشروی اینترنت - آمادگی ندارند. شاید باورتان نشود حتی کشورهای عقب‌افتاده آفریقایی هم برنامه‌هایی برای این مرحله موسوم به «سایبر» (Cyber) تهیه کرده‌اند و اینترنت را به جای اتاق خبر خود نشانده‌اند، ولی آیا ما اصلاً با پدیده خبر الکترونیک حتی در حد رادیو و تلویزیون آشنا هستیم و برآن تسلط داریم؟ وقتی اساساً خبرها دارند تغییر می‌کنند، چون عادات ما در حال تغییر است، چقدر برای مواجهه با

■ بدون شک امید بستن به

روزنامه‌نگاری حرفه‌ای بدون

تدوین و تصویب قوانین مرفقی

و حمایت‌گر، امید عبثی خواهد

بود.

■ قوانین مرفقی قطعاً با

استفاده از نظرات مبتنی بر

واقعیات حرفه‌ای

روزنامه‌نگاران می‌تواند شکل

بگیرد نه در مجموعه‌ای

بی‌اطلاع از قوانین حرفه‌ای و

ناآشنا با جزئیات کار

مطبوعاتی.

این شرایط جدید آماده‌ایم؟ وقتی متوجه تغییرات نباشیم و قدرت انطباق خود را بالا نبریم حتی اگر دایناسور هم باشیم از صحنه حذف خواهیم شد. پس می‌بینید که با این اوصاف تا حرفه‌ای شدن راه درازی در پیش داریم. وانگهی متأسفانه هنوز عده‌ای حرفه‌ای بودن را جرم تلقی می‌کنند مگر غیر از این است که ویژگی یک حرفه‌ای در هر شغل و رده‌ای این است که کارش را درست انجام می‌دهد؟ آیا این جرم است؟ به نظر من اگر یک حرفه‌ای که کارش را درست انجام می‌دهد یا به عبارت دیگر «درست» کار می‌کند،



علی میرزایی روزنامه‌نگار:

■ روزنامه‌نگار حرفه‌ای،
«شجاع» است. منظورم از شجاع
البته فحاش، هتاک یا هوجی
نیست. متأسفانه
روزنامه‌نگاری ما به این بیماری
مزم‌ن دچار است و بسیار
هستند کسانی که روزنامه‌نگار
هتاک و هوجی را روزنامه‌نگار
موفق می‌دانند.

روزنامه‌نگاران است. آنها قوانینی را که بدون رایزنی از روزنامه‌نگاران و بدون توجه به ضرورت‌های عینی حرفه روزنامه‌نگاری تصویب می‌شود، محدودکننده حرکت‌های پویای روزنامه‌نگاران می‌دانند و اعتقاد دارند که چنین قوانینی نه تنها مشکلی از جامعه مطبوعات حل نمی‌کند بلکه تهدیدی برای عموم جامعه و حق دسترسی آزادانه به اطلاعات به‌شمار می‌رود.

بحث درباره قانون، اخیراً با تصویب کلیات طرح اصلاح قانون مطبوعات در مجلس به اوج خود رسید و جامعه مطبوعات را نگران‌تر از همیشه به بحث‌های چاره‌جویانه کشاند. بازداشت برخی از روزنامه‌نگاران، گاه حتی به جرم چاپ نامه یک خواننده روزنامه، چشم‌انداز آینده طرح بحث‌انگیز را به نمایش گذاشت و این قطعاً در تاریخ مطبوعات ما ثبت خواهد شد. بدون شک امید بستن به روزنامه‌نگاری حرفه‌ای بدون تدوین و تصویب قوانین مترقی و حمایت‌گر، امید عبثی خواهد بود.

قوانین مترقی قطعاً با استفاده از نظرات مبتنی بر واقعیات حرفه‌ای روزنامه‌نگاران می‌تواند شکل بگیرد نه در مجموعه‌ای بی‌اطلاع از قوانین حرفه‌ای و ناآشنا با جزئیات کار مطبوعاتی.

دو تن از کارشناسان در زمینه نقش قانون در بسترسازی مناسب برای رشد روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، اعتقاد خود را چنین بیان می‌کنند:

حسین رحمت‌اللهی - روزنامه‌نگار -
حقوقدان و مدرس دانشگاه:

«روزنامه‌نگاری حرفه‌ای دقیقاً با سطح سواد و فرهنگ یک اجتماع و نظام حکومتی آن ارتباط مستقیم دارد. نظام حکومتی مردم سالار، شایسته‌گرا و کثرت‌گرا که به قواعد دموکراسی تن داده، بی‌تردید به مطبوعات به چشم تکمیل‌کننده خود نگاه می‌کند. چنین سیستمی مطبوعه را نه بیانگر اقدامات

دولت و توجیه‌کننده آن، بلکه نهادی اطلاع‌رسان می‌داند که حد واسط حلقه قدرت (حکومت) و مردم است. این تلقی از روزنامه‌نگاری، خیابانی دوطرفه را می‌ماند که از سویی انتظارات، مطالبات، توقعات و اطلاعات را از مردم گرفته و به نهاد قدرت می‌رساند و از سوی دیگر، عملکرد نهاد قدرت و وابستگان آن را نیز به گوش مردم می‌رساند. بدیهی است که در این تعامل صادقانه، نتیجه، رشد و تکامل اجتماعی است. در این نگاه به مطبوعات، تنظیم فعالیت روزنامه‌نگار و رابطه وی با نهاد قدرت به عهده قانون است. قانون، حاکم بر رفتار شغلی صنف روزنامه‌نگار با اقتضائات خاص آن است و

■ روزنامه‌نگار حرفه‌ای،
کنجکاو و نکته‌سنج و
باریک‌بین است. او
سرسری نمی‌بیند،
سرسری نمی‌خواند،
سرسری نمی‌شنود و
سرسری نمی‌نویسد.

حکومت مقررات براین رفتار و تنظیم آن در رابطه با نهاد قدرت، ایجاد می‌کند که به روزنامه‌نگاری به مثابه یک حرفه نگریسته شود. به عبارت دیگر، قانون زمینه و وسیله حرفه‌ای شدن روزنامه‌نگاری است.»

علی میرزایی - روزنامه‌نگار:

«فرهنگ ما قانون را عاملی محدودکننده می‌بیند، ولی قانون بیش از اینکه عامل محدودکننده باشد، باید در کارها گشایش حاصل کند. در حرفه روزنامه‌نگاری، و در خصوص روزنامه‌نگارانی که وظیفه سنگین اطلاع‌رسانی را به عهده دارند، قانون باید پشتیبان باشد. اگر حمایت قانون نباشد،

«کار درست» را هم انجام دهد، واقعاً عالی است. ولی به نظرم هنوز بخش وسیعی از بدنه رسانه‌ای ما، هم در درست کارکردن و هم در کار درست انجام دادن، در هردو جنبه هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی با دشواری مواجه است.

نقش قانون

روزنامه‌نگاران حرفه‌ای همه براین نکته تأکید دارند که اندیشه درباره روزنامه‌نگاری حرفه‌ای بسی‌شک به اندیشیدن درباره حمایت‌های قانونی از این مقوله می‌انجامد. یکی از بحث‌هایی که همیشه در ایران و در زمینه قوانین حمایت‌گر مطرح بوده، نظرخواهی از

روزنامه‌نویسی به خون دل

شرح حال روزنامه‌نگاری در ۷۷ سال قبل از زبان میرزاده عشقی

گرفتاری روزنامه‌نویسی، به نظر عشقی، از چند جهت است: «روزنامه هزار دردسر دارد که یکی از آنها مصارف هنگفت مطبعه و کاغذ است (تقریباً شماره [ای] چهل تومان)». مشکل دیگر در تهیه مطلب است: «روزنامه را باید با مقالات علمی و فنی زینت داد. این کار در ایران ممکن نیست چه کمتر مردمانی هستند که عالم و متخصص باشند. تازه وقتی این قبیل افراد یافت بشود مفت و مجاني حاضر نیستند که اطلاعات و نتیجه زحمات چندین ساله خود را تسلیم جرایدی نمایند که وقتی نگارشات آنها چاپ شد نشود آن را خوانند. سرتاپا مغلوط، حروف کهنه غیر خوانا، یا که می‌بیند اساساً یک صفحه را چاپ نکرده‌اند یا آنکه صفحات لایحه [مقاله] را پس و پیش چیده‌اند به طوری که از آن لایحه همه چیز فهمیده می‌شود جز آن چیزی که نویسنده در نظر داشته» است. [...]

و منابع فقیر خبر: «روزنامه باید حاوی اخبار مهمه و اطلاعات کافی از جزئیات امور اداری و اجتماعی مملکت باشد.» اما «وزارتخانه‌ها ابتدا اخبار مهمه را برحسب دستوری که دارند نمی‌دهند. اخباری که وزارتخانه‌ها به مخبران می‌دهند اخبار نیست، اگر ندهند هم از خارج [از دایره روابط اداری] می‌شود تحصیل کرد: فلان کس به ریاست فلان جا منصوب شده، فلان مرد دزد که به ریاست اداره مالیة فلان جا رفته بود معزول شد. اینها که خبر نمی‌شود. اخبار مخبرین ولایات هم چندان جالب اطمینان نیست. [...]

و می‌رسیم به همان ترجیح‌بند تلخ ازلی و ابدی قحط خواننده: «یک مسئله دیگر که بیش از همه موجب دماغ‌سوختگی روزنامه‌نویس است این است که در ایران تقریباً می‌توان گفت روزنامه‌خوان نیست. در طهران که پایتخت مملکت شش‌هزارساله است شاید هزار نفر روزنامه‌خوان نباشد. آنهایی که روزنامه می‌خوانند فقط از مقالاتی که فحش خالی و هتاک بی‌منطق داشته باشد خوششان می‌آید و هرکس پرت و بلا بنویسد پیش آنها فاضل‌تر به نظر خواهد آمد.»

اشتراک هم انگار در آن زمان قوزبالاقوز بود: «اینها همه یک طرف، معامله مشترکین یک طرف. اولاً هفت تومان آبونه سالانه را پنج مرتبه باید فراش برود تا که آقای مشترک را ببیند بعد آقای مشترک بگوید بروید و قبض ششماهه بنویسید و بیاورید وقتی آن قبض ششماهه را به هزار جان‌کندن داد فوراً در همان روز متوقع است که بواسطه چهارتومانی که با نهایت... لطف فرموده سرمقاله روزنامه سرتاپا تمجید از ایشان باشد.» [...]

خیلی غریب است. قریب به هزار و دو بیست تومان تاکنون برای تأسیس این جریده، صرف شده و وجه آبونه‌ای که تا امروز واصل گردیده از قرار ذیل است: آقای سلطان صادتخان ۴۵ قران آبونه ششماهه.

آقای باصرالسلطنه ۱۵۰ قران آبونه دوساله ولی شاید به وزن یک من سنگ شاه مقالات تعریف و تمجید این نویسنده در اداره موجود باشد.

باری از آقایان مشترکین محترم تمنا دارم در ارسال وجوه آبونمان روح افسرده و دل‌مرده دماغ‌سوخته‌گوینده را ترمیم فرمایند. □

نفل از کتاب میرزاده عشقی، محمد قائم، تهران: طرح نو، ۱۳۷۷، صص ۲۵۴-۲۶۰.

روزنامه‌نگاری حرفه‌ای شکل نمی‌گیرد. بالاتر از نداشتن قانون، داشتن قانون ولی اجرا نکردن آن است، یا بد اجرا کردن آن است، یا اجرای آن با جانبداری و سوءنظر است. وقتی قانون نداریم خیالمان از این نظر راحت است که قانون نداریم، اما وای به روزی که قانون داشته باشیم و هر روز بُت عیار به شکلی در آید! در آن صورت است که گروهی با سوءاستفاده از قانون هرچه می‌خواهند می‌کنند، از جمله، روزنامه‌نگاران صدیق و شریف را از میدان به در می‌کنند. در چنین فضایی، طبیعی است که روزنامه‌نگاری اصیل شکل نمی‌گیرد و قامت بالنده روزنامه‌نگاران حرفه‌ای و شجاع خواهد خمید.»

ناگفته نماند که بحث برسر قوانین گستره وسیعی را شامل می‌شود که قوانین حمایت‌کننده شغلی نیز از آن جمله‌اند. محمد مهدی فرقانی در اولین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران با اشاره به قانون کسار و تعداد انگشت‌شمار بازنشستگان مطبوعات - ۲۰ نفر - مطرح کرد که این واقعیت بر ضرورت تجدیدنظر در قوانین حاکم بر کار مطبوعاتی تأکید می‌کند. او گفت که روزنامه‌نگاران به دلیل ماهیت کاملاً متفاوت حرفه‌شان باید از قوانین خاصی که با در نظر گرفتن مقتضیات شغلی آنها تدوین می‌شود، تبعیت کنند.

آزادی دسترسی به اطلاعات

«روزنامه‌نگاران به کارمندان مطبوعات تبدیل شده‌اند»، «روزنامه‌های امروز فقط مجموعه‌ای از خبرهای تلکس‌های خبرگزاری‌ها هستند»، «خبر فقط آن است که روابط عمومی‌ها در اختیار روزنامه‌ها می‌گذارند». روزنامه‌ها گورستان اخبار مرده و تکراری شده‌اند؛ اینها نظراتی است که درباره روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران مطرح می‌شود و نشان از این دارد که محدودیت‌هایی که بر سر راه دسترسی



یونس شکرخواه
روزنامه‌نگار و مدرس
روزنامه‌نگاری:

■ چرخ ماشین رسانه‌ای در
صورتی درست خواهد
چرخید که هم در درون
رسانه‌ها و هم در بیرون
رسانه‌ها، آزادی فعالیت
رسانه‌ای و تنوع رسانه‌ها،
هر دو، از جنبه حقوقی تأمین
شده باشند.

آزادانه خبرنگار به اطلاعات وجود دارد و دیدگاه‌های غلط و غیرواقعی مسلط بر این مقوله، ضعف‌های جدی و جبران‌ناپذیری را در مطبوعات ما به وجود آورده است که کسالت‌بار بودن روزنامه‌ها به دلیل چاپ اخبار تکراری، رسمی، غیرواقعی و بی‌رسم از آن جمله است. حسین رحمت‌اللهی می‌گوید: «غیراز موارد مصرح در قانون اساسی و قوانین عادی، که بیشتر امنیت شخصی، خانوادگی و ملی را دربرمی‌گیرد، اقتضای حرفه روزنامه‌نگاری به معنای «اطلاع‌رسانی»، ایجاب می‌کند که روزنامه‌نگار آزادانه به اطلاعات دسترسی داشته و ملزم به افشای منابع خبری خود نباشد. این امر در صورت

تحقق، رسانه مکتوب را از کارکرد حزبی، ابزار فشار و کسب امتیاز، جدا ساخته و به آن، صورت و محتوایی حرفه‌ای می‌بخشد. به عبارت دیگر، در چنین تعریفی، روزنامه باید با کارکردی حرفه‌ای، در فضای رقابتی، با اطلاع‌رسانی، شناخت حساسیت‌ها و کارخبری روی آن فعالیت نماید و این امر نه تنها بستر و زمینه حرفه‌ای شدن مطبوعات، بلکه اقتضای آن است.»

علی میرزایی نیز با تأکید بر اینکه دسترسی نداشتن به اطلاعات کافی و درست، روزنامه‌نگار را به یک بوروکرات مفلوک تبدیل می‌کند، می‌گوید: «دنیای امروز دنیای اطلاعات است. توان واقعی کشورها را فقط با نیروی نظامی و توان اقتصادی آنها نمی‌سنجند، بلکه کم و کیف اطلاعاتی که تولید می‌کنند، و به آن دسترسی دارند، عامل اصلی قدرت کشورها در عرصه جهانی، و حتی در اداره امور داخلی آنهاست. چرا؟

کار اصلی مدیران (در هر رده مدیریت و در هر شغل و حرفه‌ای) «تصمیم‌گیری» است، یعنی انتخاب یک گزینه از میان گزینه‌های متعددی که کارشناسان و مشاوران در اختیار مدیران قرار می‌دهند. مدیران، برای تصمیم‌گیری، به دو عامل نیاز دارند: اختیار، اطلاعات. اصل بر این است که همه مدیران اختیار دارند، ولی اینکه کسی درست و بهتر مدیریت می‌کند یا نمی‌کند موکول است به کم و کیف اطلاعاتی که در اختیار او قرار می‌گیرد، و چگونگی استفاده او از این اطلاعات، به عبارت دیگر: توانا بود هر که دانا بود.

قصدم از بیان این مقدمه این است که عصر کنونی عصر اطلاعات است و اطلاعات پایه دانش و دانایی است، و آن کس که داناتر است - یعنی به اطلاعات درست، روزآمد و کافی دسترسی دارد - کار خود را بهتر انجام می‌دهد. روزنامه‌نگاری نیز از این اصل کلی تبعیت می‌کند. ضعف و فقر اطلاعات، روزنامه‌نگاری را نابود

■ کادرسازی برای رسانه‌ها از

وظایف آموزشگاه‌هاست و از جنبه آموزش ما باید ادبیاتی را تدوین کنیم که در هر سه سطح

«عمل فردی»، «عمل

جامعه‌شناختی» و «عمل

فرهنگی» با دوشاخه

انسان‌شناسی و نقدادبی،

تکلیف نارسایی‌ها را مشخص کند.

می‌کند. عدم دسترسی به اطلاعات کافی، کامل، درست و روزآمد، روزنامه‌نگار را به یک بوروکرات مفلوک تبدیل می‌کند و در نهایت او را به کسی که کارش رونویسی از تلکس‌های فلان خبرگزاری است تبدیل می‌نماید. وظیفه روزنامه‌نگار «اطلاع‌رسانی» است و این کار زمانی درست و کامل انجام می‌شود که خود روزنامه‌نگار به اطلاعات (با آن کیفیاتی که برشمردم) دسترسی آزاد و بی‌دردسر داشته باشد.»

حق دسترسی آزادانه به اطلاعات از جمله حقوقی است که در همه گردهمایی‌های جهانی مورد بحث قرار می‌گیرد. روزنامه‌نگاران خواستار حق کسب اطلاعات بدون مانع و پخش کامل و سریع آن هستند و سردبیران و مفسران نیز حق بیان آزادانه عقاید را می‌خواهند. حق آگاه شدن و شنیدن عقاید گوناگون، در اصل حق هر شهروند است اما در عمل بستگی به آزادی روزنامه‌نگاران دارد. البته درست است که همه نباید از حق کسب و انتشار اطلاعات و بیان عقاید برخوردار باشند اما به خاطر آنکه روزنامه‌نگاران در قبال قیدیوندن‌های مقامات انتقادناپذیرند، چه بخواهند و چه نخواهند خود را در خط اول دفاع از آزادی می‌یابند.

پیگیری فعال حقایق مربوط به مصالح عمومی، یکی از معیارهایی است که با آن، استعدادها حرفه‌ای یک روزنامه‌نگار را می‌سنجند. نقش یک

موانع روزنامه‌نگاری حرفه‌ای در ایران امروز چیست؟ مسئولیت‌های یک روزنامه‌نگار حرفه‌ای چیست؟

مدیر مسؤول «تهران‌نایمز» پاسخ می‌دهد

- جاذبه برخوردارهای تخریبی نمی‌تواند در مطبوعات عمر طولانی کند زیرا مردم عادی در این زمینه دغدغه‌های مشترکی با گروه‌ها و احزاب ندارند.
- روزنامه‌نگاران حرفه‌ای می‌توانند از مزیت‌های سرمایه‌گذاری احزاب سیاسی در زمینه کار رسانه‌ای بهره‌گیرند

در مقطع کنونی از تاریخ روزنامه‌نگاری کشور هرچند رویکرد تشکلی‌ها و دستجات سیاسی به کار رسانه‌ای مکتوب موجب ایجاد تنوع و رشد کمی در مطبوعات شده است، اما استفاده ابزاری از جراید برای نیل به اهداف توسعه قدرت سیاسی موانعی را برای روزنامه‌نگاران غیرفصلی موجب شده است.

اولین مشکلی که این رویکرد ایجاد کرده قرار گرفتن رسانه‌های مکتوب در کانون توجهات و حساسیت‌های جریان‌های سیاسی است. از آنجا که این سرمایه‌گذاری بر روی مطبوعات، آنها را به یکی از میادین اصلی مقابله احزاب با یکدیگر تبدیل ساخته لذا کارکرد فرهنگی جراید کم‌رنگ و نگرستن به آنها به مثابه ابزار منازعات سیاسی بسیار پررنگ گشته است.

باید اذعان داشت وقتی جراید به صحنه کساکش‌های سیاسی گروه‌های در قدرت یا تلاش‌کننده برای دستیابی به قدرت مبدل شدند برخوردارهای سطحی سیاسی جایگاه عمده‌ای در آنها می‌یابد.

اکنون که در این دوره ریاست‌جمهوری شرایط عمومی برای رقابت بین احزاب فراهم آمده، فقدان فرهنگ و تجربه در زمینه رقابت سیاسی موجب شده است تا گروه‌ها با تلاش برای تخریب یکدیگر به اهداف سیاسی خود نائل آیند.

باید توجه داشت که جاذبه برخوردارهای تخریبی نمی‌تواند در مطبوعات عمر طولانی کند زیرا مردم عادی در این زمینه دغدغه‌های مشترکی با گروه‌ها و احزاب ندارند. این مقوله، پس از مدتی ابتدا در میان افشار فرهنگی و سپس مردم عادی تبدیل به ضد جاذبه می‌شود و در نهایت می‌تواند به پدیده سرخوردگی از مسایل سیاسی را دامن زند.

از جمله موانع دیگر روزنامه‌نگاری در این دوره عملکرد گزینشی مسؤولان دارای گرایش‌های مختلف با مطبوعات است. درج یک سند محرمانه در یک رسانه گاهی گامی در جهت توسعه سیاسی تلقی می‌شود و در موردی دیگر یک اقدام ضدانقلابی و خیانت‌آمیز. دفتر یک مقام اجرایی نسبت به راه‌یابی یک نامه محرمانه به مطبوعات هرگز واکنشی نشان نمی‌دهد. حال آنکه نسبت به یک مقوله کاملاً مشابه اقدام به صدور اطلاعیه‌ای در محکومیت آن می‌کند. تأسف بارتر زمانی است که مراجع قضایی نیز که باید حکمشان مورد احترام همگان باشد در وادی عملکرد گزینشی درغلتنند. بنابراین استفاده از مطبوعات برای منکوب و از هستی ساقط کردن جناح مقابل، خطرکشاندن نهادهای رسمی - که می‌بایست فارغ از گرایش‌های سیاسی

روزنامه‌نگار کنجکاو، واری اقدامات مصادر امور و نشان دادن هرگونه سوءاستفاده از قدرت یا ناشایستگی است. حق او در تحقیق پیرامون سوءمدیریت و فساد اداری، از اهمیتی ویژه برخوردار است. زیرا این حق یکی از راه‌های تأمین این امر مهم است که بی‌کفایتی و نادرستی، کل سیستم را آلوده نکند. به همین دلایل کسانی که قدرت را در قبضه دارند، مخالف روزنامه‌نگارانی هستند که راضی به پخش و انتشار اخبار رسمی یا خبرهای گرفته شده از منابع اطلاعاتی رسمی نیستند. در برخی کشورها وضع روزنامه‌نگاران از این جهت خطرناک و بحرانی است، چرا که روزنامه‌نگاران درستکار به تدریج دست از این حرفه می‌شویند و جوانان صاحب استعداد عزم ورود به این حرفه را نمی‌کنند!^۲

تشکلی‌های صنفی و روزنامه‌نگاری حرفه‌ای

«بی‌شک هر حکومتی چه در نظام‌های توتالیتر و چه در نظام‌های لیبرال، نیاز و تمایل به بسط دایره اقتدار خود - چه در وجه «اعمال حاکمیت» و چه در شکل «اعمال تصدی» - دارد. حضور و نفوذ اقتدار حاکمیت در زندگی اجتماعی مردم به صورت انفرادی اگر نگوئیم غیرممکن، بسیار مشکل است. بنابراین دولت با شناخت صورت‌بندی‌های صنفی مؤثر در جامعه، از طریق به رسمیت شناختن آنها، چتر قانون، حضور و اقتدار خود را برسر آنها می‌کشد. دسته‌ای از این صنوف، تأثیر اجتماعی کمتری دارند که در قالب اتحادیه‌ها و یا سندیکاها فعالیت می‌کنند و دسته‌ای دیگر به دلیل برد و تأثیر اجتماعی زیاد آنها، در قالب انجمن صنفی روزنامه‌نگاران، کانون وکلا، نظام پزشکی و... سامان می‌یابند.

بی‌تردید تمامی موارد صورت‌بندی‌های ذکر شده، در زمره نهادهای



حسین رحمت‌اللهی
روزنامه‌نگار و حقوق‌دان:
■ اقتضای حرفه
روزنامه‌نگاری به معنای
«اطلاع‌رسانی»، ایجاب
می‌کند که روزنامه‌نگار
آزادانه به اطلاعات
دسترسی داشته و ملزم به
افشای منابع خبری خود
نباشد.

مدنی هستند با این تفاوت که برخی از سازمان‌های حرفه‌ای به دلیل اقتضای کار خود، در بخشی از اعمال حاکمیت سهیم هستند (مثل کانون وکلا) و اگر برخی نظام‌ها تمایل به حضور مطبوعات به عنوان بخشی از حاکمیت - و نه حلقه واسط بین مردم و قدرت - داشته باشند، طبیعی است که به شکل این صنف نیز به دیده نهاد دولتی مجری تمایلات حکومت نگاه می‌کنند.

به‌رحال همین که برای یک صنف، تشکیلی - چه دولتی و چه غیردولتی - شناخته شود، به این معناست که حاکمیت، آن صنف و حرفه را به رسمیت شناخته و تمایل دارد با بسط دایره اقتدار

خود بر رفتار شغلی آن، در قالب یک تجمع حرفه‌ای به آن نگرسته و رفتار آن صنف را قانونمند سازد. با این تعریف، تشکلهای صنفی مطبوعاتی، به حرفه‌ای شدن روزنامه‌نگاری کمک شایانی می‌کند.»

آنچه خواندید نظر حسین رحمت‌اللهی است در پاسخ به این سؤال: «نقش تشکلهای صنفی را در رشد و پویایی روزنامه‌نگاری حرفه‌ای چگونه ارزیابی می‌کنید؟».

بحث درباره نقش تشکلهای صنفی در حیطة روزنامه‌نگاری حرفه‌ای مثل نفس‌کشیدن در حیات عادی، بدیهی و الزامی است. تشکل صنفی عدالتگاه روزنامه‌نگار است. روزنامه‌نگار امروز حل همه مشکلات صنفی را از تشکل خود می‌خواهد؛ تدوین نظامنامه حرفه‌ای را وظیفه تشکل صنفی می‌داند، امنیت شغلی خود را از تشکل صنفی طلب می‌کند و رفاه خود و خانواده‌اش را از تشکل خود می‌خواهد و این امکان‌پذیر نخواهد بود مگر اینکه تشکلی بتواند همه گیر، ماندگار و قدرتمند باشد. نظر علی میزبایی را در این باره بخوانیم:

تشکل صنفی پشتیبان روزنامه‌نگار است. جلوه‌ای است از جامعه مدنی. حایلی است میان روزنامه‌نگار و دستگاه قدرتمندی که نامش حکومت یا دولت است. منظورم این نیست که روزنامه‌نگار حرفه‌ای از بام تا شام با دولت دست به یقه است و کار تشکل صنفی هم این است که به دفاع برخیزد، بلکه می‌گویم که روزنامه‌نگار حرفه‌ای نباید دغدغه نان و جان داشته باشد و تنها محملی که از روزنامه‌نگار در هنگام بحران‌ها به دفاع جانانه برمی‌خیزد تشکل صنفی است. وجود این تشکل‌ها به روزنامه‌نگار قوت قلب می‌دهد و به او فرصت می‌دهد که با آرامش فکری بیشتری به کار خود بپردازد، و بی‌الد و رشد کند. روزنامه‌نگار بی‌پناه، طبیعی است که تا مدتی کوتاه می‌تواند

پایداری فردی بکند. در «جمع» است که انسان‌ها نیروی دفاعی خود را تقویت می‌کنند.

غم نان اگر بگذارد

بحث درباره درآمد روزنامه‌نگاران همیشه در هاله‌ای از رمز و راز پیچیده است. حتی بسیاری از روزنامه‌نگاران خود از گفت‌وگو در این باره پرهیز می‌کنند. برای هیچ روزنامه‌نگاری جالب نیست که به‌طور مشخص درباره دستمزد کار فکری خود که با جان و روانش درآمخته است بحث کند و این متأسفانه دستمایه بسیاری از کارفرمایان مطبوعاتی است که بی‌عدالتی‌های بسیاری را شامل حال

■ تنظیم فعالیت

روزنامه‌نگار و رابطه وی

با نهاد قدرت به عهده

قانون است.

■ **قانون زمینه و وسیله**

حرفه‌ای شدن

روزنامه‌نگاری است.

روزنامه‌نگاران می‌کند. فردی غیرمطبوعاتی می‌گفت: «در عجبم که روزنامه‌نگاران برای احقاق حقوق همه مردم تلاش می‌کنند و از هیچ حرکتی فروگذاری نمی‌کنند اما در گرفتن حقوق خویش عاجزند.» او می‌گفت: «اگر چند کارگر در کارگاهی کار کنند و بیمه نباشند شما هزار مقاله و گزارش می‌نویسید. اما هیچ از خود پرسیده‌اید که چند نفر از خانواده مطبوعات بیمه نیستند؟ یا چه تعدادی از آنها حتی حداقل دستمزد تصویب شده را هم نمی‌گیرند؟ تا حالا چندبار شده که دستمزدهایتان را نداده‌اند؟»

این دوست غیرمطبوعاتی درست

■ روزنامه‌نگار حرفه‌ای، صاحب اخلاق حرفه‌ای نیز هست و مسؤولیت روزنامه‌نگار را نیز می‌شناسد و درک می‌کند. ■ اخلاق حرفه‌ای و مسؤولیت روزنامه‌نگار حکم می‌کند که پای‌بندی‌هایی داشته باشد و حدودودی را رعایت کند.

می‌گوید. نمی‌شود از روزنامه‌نگاری که غم‌نان دارد خواست که همه‌توان خود را برای اعتلای حرفه‌ی روزنامه‌نگاری به‌کار بندد. نمی‌شود از رشد و پویایی روزنامه‌نگاری سخن گفت ولی از خستگی روزنامه‌نگار چند شغله حرفی نزد. اصلاً چه دلایلی پدیدیده عجیب چندپیشگی را در روزنامه‌نگاری امروزه وجود آورده است. آیا همه آنها که در نشریات مختلف قلم می‌زنند، زیاده‌خواهند یا از سرناچاری خود را درگیر این پدیده کرده‌اند؟ و راستی کسالت، عدم تنوع، کیفیت پایین و بازدهی کم بعضی از نیروهای حرفه‌ای چگونه پدید آمده است؟ بخوانیم که علی‌میرزایی در این باره چه نظری دارد:

«چه خوشمان بیاید چه نیاید و بدون اینکه خجالت بکشیم، باید اعتراف کنیم که کسب درآمد و تأمین مادی یکی از علت‌های اساسی اشتغال است. تفاوتی اگر میان آدم‌ها باشد در این است که مشاغل متفاوتی را برمی‌گزینند، ولی همه در یک هدف مشترک هستند و آن کسب درآمد است و تأمین مادی. البته اشخاص انگیزه‌های دیگری هم دارند که قرار نیست در اینجا به آنها پردازم.

اگر درآمد یک روزنامه‌نگار، حداقل از متوسط درآمد اعضای یک جامعه بیشتر نباشد، دلیل موجهی برای جذب شدن به

عمل کند - را به وادی برخورد‌های گزینشی همراه دارد.

از جمله دیگر مشکلات این دوره را باید توسل به راه‌کارهای قانونی برای خاموش کردن حجم‌های رسانه‌ای از یک طرف و سوءاستفاده از نارسایی‌های قانونی برای نیل به اهداف سیاسی، از طرف دیگر دانست. هر دو وجه این امر مطبوعات را وارد کشاکش سختی می‌کند که خروج از آن به آسانی ممکن نیست.

احزاب باید بتوانند یکدیگر را کنترل کنند اما اگر بنا باشد بازسگین کارکرد حزبی در این زمینه تماماً به مطبوعات تحمیل شود کار فرهنگی دچار دست‌اندا‌های شدید قانونی و خشک می‌شود و لطمات غیرقابل‌جبرانی بر فرهنگ وارد می‌سازد.

اما مسؤولیت‌های یک روزنامه‌نگاری حرفه‌ای: روزنامه‌نگار حرفه‌ای می‌بایست با تمام توان از رشد سطحی‌گرایی در مطبوعات جلوگیری به عمل آورد. نباید گروه‌های سیاسی را وادار سازد تا مواضع خود را در زمینه مسایل کلان‌نظری برای جامعه تبیین سازند. گروه‌های درگیر در عرصه مطبوعات را می‌بایست به سوی تولید فکر در جامعه سوق داد. اگر اندیشه مولد مبتنی بر تری یک جریان به جریان دیگر قرار گیرد نباید از رویکرد احزاب به جراید نگری داشت. بنابراین روزنامه‌نگاران حرفه‌ای می‌توانند از مزیت‌های سرمایه‌گذاری احزاب سیاسی در زمینه کار رسانه‌ای بهره‌گیرند و به صورت همزمان از تنش‌زایی و سطحی‌گرایی و تخریب جلوگیری به عمل آورند.

عنايت به این نکته الزامی است که کسب تراز از طریق جنجال ضمن اینکه ذائقه مردم را به سوی سطحی‌گرایی سوق می‌دهد، مطبوعات را نیز به بی‌هویتی رهنمون می‌سازد. باید به این نکته برسیم که حتی اگر جریانی را به لحاظ سلتاق سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نمی‌پسندیم راضی نشویم تا از طریق هیاهو و غوغاسالاری منزوی شود. زیرا اینگونه تقابل‌ها هیچ‌گونه دستاورد مثبتی برای جامعه ندارد. □ عباس سلیمی‌نهبی - مدیرمسئول تهران‌نا‌بز

■ بحث درباره درآمد روزنامه‌نگاران همیشه در هاله‌ای از رمز و راز پیچیده است. حتی بسیاری از روزنامه‌نگاران خود از گفت‌وگو در این باره پرهیز می‌کنند.

صاحب شغل وجود ندارد. آدم‌های با توان و مستعد و حرفه‌ای به مشاغلی جذب می‌شوند (از زاویه کسب درآمد) که دست‌کم بتوانند به اندازه یک آدم متوسط درآمد مالی کسب کنند. اگر این جاذبه مالی وجود نداشته باشد، آدم‌های تراز اول - که یا حرفه‌ای هستند یا قابلیت حرفه‌ای شدن دارند - به سوی مشاغل دیگر جذب می‌شوند و عرصه روزنامه‌نگاری (که در اینجا مورد بحث ماست) جولانگاه آدم‌های کم‌مایه، ضعیف و از همه جا مانده و رانده می‌شود که از لاعلاجی به این شغل پناه آورده‌اند.

صاحب شغل را ارضاء کند. نمی‌شود حرفه‌ای شد (یعنی نمی‌شود از صفر به صد رسید) ولی صبح تا شب هم «غم‌نان» داشت. استثناء‌ها به کنار، ولی برای هر کار درست و کاملی و برای بالیدن و متعالی شدن در حرفه‌ها، باید «غم‌نان» و «بیم‌جان» نداشت. شاید در دوره‌هایی می‌شده است دود چراغ خورد و نوشت، ولی در آن روز دغسدغه‌های اقتصادی مهلکی که شما و من با آن روبه‌رو هستیم یا وجود نداشته، یا درجه مهلک بودن آن این قدر بالا نبوده است!»

حسین رحمت‌اللهی نیز در پاسخ به این سؤال که «میزان درآمد روزنامه‌نگاری چه تأثیری بر روند رشد روزنامه‌نگاری

منظورم این است که شغل باید از نظر مالی و مادی نیز جذابیت داشته باشد و

حرفه‌ای دارد؟» می‌گوید: «در میان روزنامه‌نگاران فعلی، ما با دو دسته از این افراد برخورد داریم:

الف) نیروهای تمام‌وقت مطبوعات؛ ب) نیروهای پاره‌وقت که روزنامه‌نگاری هم انجام می‌دهند و یا روزنامه‌نگارانی که اشتغال دیگری غیر از روزنامه‌نگاری دارند.

بی‌تردید گروه دوم هرگاه در جریان کار حرفه‌ای خود به تنگناها و مضایقی برخورد کنند، اولویت را به کار دوم خود - که الزاماً غیر از کار روزنامه‌نگاری است - می‌دهند. این امر به‌طور طبیعی از حرفه‌ای شدن کار مطبوعاتی جلوگیری

■ دلیلی ندارد که مثلاً

برای استنادشدن در

نجاری و بنایی و کفاشی

به سالها آموزش و

ممارست و تجربه‌اندوزی

نیاز باشد، ولی

روزنامه‌نگاری را حرفه‌ای

بدانیم که مادرزادی

می‌شود آموخت.

می‌کند. بنابراین برای حرفه‌ای شدن کار مطبوعات الزاماً باید نیروهای تمام وقت که علائق خاص صنفی نیز مشوق تحرکات آنها باشد، وجود داشته باشند و این امر با تأمین درآمد مکفی روزنامه‌نگاران ملازمتی همیشگی و قطعی دارد. هر قدر اشتغال به حرفه روزنامه‌نگاری تأمین‌کننده علائق مادی شاغلان این رشته باشد، جاذبه‌های شغلی و مادی این حرفه، به ایجاد زمینه‌های لازم جهت حرفه‌ای شدن کمک می‌کند.»

و روزنامه‌نگار دیگری می‌گوید: «شش سال است کار حرفه‌ای می‌کنم. در یک مؤسسه به اصطلاح معتبر مطبوعاتی

مشغولم. بیمه نیستم و دستمزد ماهیانه‌ام زیر حداقل دستمزد تصویب شده است.» آیا حرف دیگری در این زمینه گفتنی است؟

اخلاق حرفه‌ای و مسؤلیت روزنامه‌نگار تدوین هنجارهای اخلاق حرفه‌ای به سالهای دهه ۱۹۲۰ برمی‌گردد و آزادی دسترسی به منابع اطلاعات، عینیت و تعهد به افترا نزدن از جمله معیارهای عمومی است که در همه نظامنامه‌های اخلاق حرفه‌ای مطرح بوده است. «بوگدان اوزولینک» عضو کمیسیون بین‌المللی مطالعه مسائل ارتباط (کمیسیون مک‌براید) معتقد است که:

اصول اخلاق روزنامه‌نگاری را نمی‌توان به اعلام اصول و درخواست رعایت آن از سوی روزنامه‌نگاران محدود کرد. آنچه به آن نیاز است تلاش‌های دائمی برای افزایش فرصت‌های واقعی برای کار آزاد و مسؤولانه در رسانه‌هاست. یکی از مهم‌ترین شرایط برای این منظور بدون شک دموکراتیک کردن روابط داخلی در رسانه‌های جمعی است.^۹

براین اساس مؤسسات مطبوعاتی، سیاست‌های حاکم بر تحریریه و منابع مالی در گسترش خلاقیت‌ها و بالا بردن کیفیت اخلاقی و حرفه‌ای روزنامه‌نگاران مؤثر است.

ضرورت طرح بحث اخلاق مطبوعاتی و مسؤولیت روزنامه‌نگار در جهان امروز بیش از هر زمان دیگری است. پیچیدگی جهان امروز و شیوه‌های متنوع و متعدد تأثیرگذار بر رسالت اخلاقی روزنامه‌نگار، آماده‌سازی این بستر را دشوارتر از همیشه می‌کند.

تدوین یک نظامنامه اخلاقی از سوی تشکل‌های صنفی روزنامه‌نگاران و تلاش برای رسیدن به اهداف والای آن می‌تواند گام دیگری به سوی اعتلای روزنامه‌نگاری حرفه‌ای باشد.

اگر چه بسیاری از روزنامه‌نگاران

معتقد به نظامنامه‌ای جهانی برای همه روزنامه‌نگاران هستند، اما به نظر می‌رسد علی‌رغم مشابهت‌های بسیار، قطعاً شرایط بومی و باورهای منطقه‌ای در تدوین نظامنامه مستقل حرفه‌ای برای هر کشوری ضروری است. «الی ابل» دیگر عضو کمیسیون بین‌المللی مطالعه مسائل ارتباط معتقد است:

فراهم آوردن یک نظامنامه جهانی برای روزنامه‌نگاران تمام کشورها در شرایط کنونی نه امکان‌پذیر است و نه مطلوب. در واقع از روزنامه‌نگاری در جهان امروز دو تصور کلی ذاتاً متمایز وجود دارد. هر جا که مطبوعات بازوی

■ متأسفانه هنوز

بحث‌انگیزی‌های

رسانه‌ای ما به اتخاذ

سیاست‌های ملی

نمی‌انجامد و «جلب‌نظر»

نتوانسته است مقهور

«آگاهی‌بخشی» شود.

■ رسانه‌های ما اصلاً

برای ورود به مرحله

دیجیتالی رسانه‌ای - به

خصوص با توجه به

پیشروی اینترنت -

آمادگی ندارند.

دولت باشد، جای برای اعمال نظر مستقل صنفی از سوی روزنامه‌نگاران نمی‌تواند وجود داشته باشد. یک نظامنامه اصول اخلاقی که با چنین سیستم کنترل سیاسی سازگار باشد لزوماً باید از جانب روزنامه‌نگارانی که نقش خود را نقشی مستقل از دولت و در واقع نقشی تقریباً همراه با شک و تردید نسبت به قدرت دولت می‌دانند، مردود شمرده شود.^{۱۰}

وسعت و تنوع موضوع، حرفه‌های

بسیاری را ناگفته گذاشت. گزارش را با

نظرات حسین رحمت‌اللهی و علی

میرزایی درباره اخلاق حرفه‌ای و

مسؤولیت روزنامه‌نگار به پایان می‌بریم.

حسین رحمت‌اللهی معتقد است: بی‌شک هر شغلی علاوه بر بایدها و نبایدهای قانونی که در قالب مقررات الزام‌آور حرفه‌ای و یا عمومی تجلی می‌یابد، یک سری مقررات اعلام نشده نیز دارد که برخی افراد آن را هنجارهای اعلام نشده آن حرفه می‌دانند. روزنامه‌نگاری به دلیل آنکه حرفه‌ای اجتماعی و مورد علاقه صاحبان آن است، بی‌شک هنجارهای اعلام نشده‌ای را - علاوه بر قوانین و مقررات اعلام شده - داراست؛ چرا که از سویی در درون میل و علاقه افراد صاحب آن حرفه ریشه دارد و از سوی دیگر، هرگونه عملکرد آن، تأثیری اجتماعی را واجد است. به این ترتیب هر قدر هنجارهای این رشته شغلی محترم شمرده شود و تلاش جهت صورت قانونی دادن به این هنجارها انجام گیرد، به بسترسازی حرفه‌ای شدن آن کمک شایانی شده است. علی میرزایی: روزنامه‌نگار حرفه‌ای، صاحب اخلاق حرفه‌ای نیز هست و مسئولیت روزنامه‌نگار را نیز می‌شناسد و درک می‌کند. حالا اگر انگشت‌شماری در مواردی این اخلاق و مسئولیت را ندیده می‌گیرند بحث دیگری است.

اخلاق روزنامه‌نگار و مسئولیت حرفه‌ای هنگامی مطرح می‌شود که بحث «آزادی» مطرح می‌گردد. آزادی را بهتر است تعریف نکنیم. هر تعریفی، آزادی را محدود می‌کند، و آزادی مغایر محدودیت است. اما اگر محدودیتی هم برای آزادی قایل باشیم، باید براساس قانون برقرار شود؛ آن هم قانونی که به شکلی کاملاً مردم سالارانه و به وسیله نمایندگان تصویب می‌شود که برگزیدگان واقعی مردم باشند و در تصمیمات خود اراده و خواست‌های اجتماع را بازتاب دهند؛ قوانینی که مدافع حق و آزادی و حقوق انسان هستند.

محدودیت‌های دیگر هم، جز محدودیت‌هایی که قانون برقرار می‌کند،

همیشه و در همه جوامع وجود دارد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. چشم خود را بر معتقدات مردم و ارزش‌های جامعه نمی‌توان بست. اگر از اخلاق و مسئولیت صحبت می‌کنیم یک بُعد آن همین ملحوظ کردن معتقدات و ارزش‌های جامعه و احترام به قانون است. البته در حالت ایده‌آل اصل بر این است که «آزادی بدون قید و شرط» است که معنای واقعی آزادی را بیان می‌کند، ولی این ایده‌آل، در هیچ جامعه‌ای، تحقق نیافته است. البته جوامع، به نسبتی که به دموکراسی و آزادی و آزادمنشی و آزاداندیشی اعتقاد دارند، در

■ ضعف و فقر اطلاعات،

روزنامه‌نگاری را نابود

می‌کند. عدم دسترسی به

اطلاعات کافی، کامل، درست

و روزآمد، روزنامه‌نگار را به

یک بوروکرات مفلوک تبدیل

می‌کند و در نهایت او را به

کسی که کارش رونویسی از

تلکس‌های فلان خبرگزاری

است تبدیل می‌نماید.

درجات متفاوتی از این ایده‌آل بهره‌مند هستند.

گذشته از قانون و ضوابطی که در بالا از آنها یاد کردیم، به منافع ملی می‌رسیم. منافع ملی البته منافع یک شخص یا یک گروه یا حزب و دسته سیاسی و غیرسیاسی نیست. منافع ملی منافع ملت است، منافع کشور است (کشور به معنای جمع میان سرزمین، ملت، دولت یا حکومت).

در تمام اینها، اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت روزنامه‌نگار حکم می‌کند که پشایبندی‌هایی داشته باشد و

حد و حدودی را رعایت کند. اینها نکته‌هایی بسیار بسیار ظریف است که خیلی هم قابل تعریف و قابل تحدید نیست. حفظ حرمت قلم، حفظ حیثیت اشخاص، ضرورت احترام به انسان‌ها، پاپوش نسدوختن برای بی‌گناهان، هوچی‌گری نکردن، شارلاتان بازی درنیاوردن، و... از جمله مواردی است که روزنامه‌نگار مسؤول و با اخلاق به آنها متعهد است.

روی دیگر این سکه، با زهم به تبعیت از «اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت روزنامه‌نگار» این است که گردن نهادن به زور و ظلم، پیروی کردن از ناحق، بهره‌مادی را عامل تجاوز به حرمت و حیثیت اشخاص قرار دادن، تشنج آفریدن، عمده ظلم شدن، نوکر ارباب بی‌مروت دنیا شدن، قیصریه‌ای را برای یک دستمال به آتش کشیدن، غوغاسالاری کردن و... نیز خلاف اخلاق حرفه‌ای و مسئولیت روزنامه‌نگار است و طبیعی است که در چنین حال و هوایی، روزنامه‌نگار با اخلاق و حرفه‌ای و مسؤول نیز به وجود نمی‌آید و آنهایی که به این حرفه شریف روی آورده‌اند نیز به شرط صالح بودن، زیر فشار سنگین عذاب وجدان خفه می‌شوند و آنهایی که ناصالح هستند و به نادرست این حرفه شریف را برگزیده‌اند نیز، حتی اگر چند صباحی خود را موفق ببینند، لکه ننگی به بزرگی همه دنیا همیشه پیشانی حقیر آنها را سیاه می‌کند. □

پی‌نویس‌ها:

۱. محمد مهدی فوقانی، روزنامه‌نگاری آرمانی در جامعه مدنی، شرایط و مقتضیات، رسانه، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷.
۲. کارل هوسن، بحران وجدان، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، چاپ اول ۱۳۷۵، ص ۳۲.
۳. گزارش شن مک براید - یک جهان، چندین صدا. ترجمه ابرج پاد، سروش، تهران ۱۳۶۹ ص ۱۷۴.
۴. همان، صص ۱۷۹ و ۱۸۰.